



متهمان ردیف اول سقوط «امیر» تاسیان

تحلیل‌روان‌شناختی شخصیت اصلی سریال تاسیان بانگاهی بر لایه‌های درونی، هیجانی و رفتاری اش و همچنین نقش عوامل محیطی در شکل‌گیری تصمیم‌هایش که او را به‌ورطه‌نابودی می‌کشاند

دکتر پرستومامیری | متخصص روان‌شناسی سلامت و روان‌درمانگر

محوری

بی‌تردید، سریال تاسیان ظرفیت‌های فراوانی برای خوانش‌های سیاسی، اجتماعی و حتی فیلم‌شناختی دارد؛ از نقد ساختارهای قدرت و طبقه تا تحلیل زیبایی‌شناسی و روایت. اما در این متن، نگاهمان بر روان‌امیر و نقش عوامل محیطی در شکل‌گیری تصمیم‌ها و فروپاشی او متمرکز خواهد بود. بنابراین این یادداشت صرفاً تحلیلی روان‌شناختی از شخصیت «امیر» در سریال تاسیان است و با تمرکز بر لایه‌های درونی، هیجانی و رفتاری او نگاشته شده است.

● شخصیتی پر از تضاد و گسست

امیر، شخصیتی پر از تضاد و گسست است؛ مردی که بین دو قطب سنت و مدرنیته، اخلاق و منفعت‌طلبی، عشق و فریب، همواره در نوسان است. مسیر روانی او، ترکیبی است از شور، خشم، زخم‌های کهنه خانوادگی و عطشی بیمارگونه برای معنا و توجه. نگاه‌روان‌درمانگرانه به امیر، ما را با شخصیتی روبه‌رو می‌کند که در کشاکش درونی خود، بارها مرزهای اخلاقی و حقیقت را درمی‌نوردد؛ نه لزوماً از سرشارت، بلکه از سرآشفته‌گی و احتمالاً بحران هویتی حل‌نشده.

● طرد، طغیان، تشنگی برای دیده شدن

امیر در یک خانواده مذهبی رشد کرده، مسیرش از خانواده جدا شده و نه تنها از باورهای مذهبی دل بریده، بلکه به‌نوعی علیه‌آن‌ها شوریده است. تغییر نگاهانی‌اش به یک شخصیت غیرمذهبی، مشروب‌خور، فیلم‌بین و کتاب‌خوان، بیش از آنکه صرفاً یک انتخاب فکری باشد، به نظر پاسخی است به فشارها و طردشدن. اخراج از خانه توسط پدر، نه فقط یک اتفاق، بلکه یک نقطه گسست عاطفی است. طردشدن، یکی از عمیق‌ترین زخم‌های روانی است که می‌تواند در ناخودآگاه

فرد، نیازی افراطی به اثبات ارزشمندی، دیده شدن و حتی انتقام از جهان ایجاد کند. هرچند امیر پیش از این، مسیر بی‌قرار خود را آغاز کرده است.

● دروغ، فریب و بازی با هویت

جعل هویت ساواکی بودن و استفاده از دروغ برای پیش‌بردن روابط، نشان‌دهنده الگوی «خودکاذب» در دفاعی از «خود واقعی» و ناکافی» است. امیر یاد گرفته که با پنهان کردن بخش‌هایی از خود و خلق تصویری جذاب، دیگران را به خود جذب کند. این نوع دفاع روانی معمولاً در افرادی شکل می‌گیرد که در کودکی مجبور بوده‌اند برای کسب توجه، «آن چیزی باشند که دیگران می‌خواهند»، نه آنچه واقعاً هستند. دروغ‌های امیر، یک راه‌فرار از خودناکافی و آسیب‌پذیرش است.

● عشق یا نیاز؟

علاقه شدید امیر به شیرین، در ظاهر عاشقانه است؛ شعر می‌خواند، خیال می‌بافد، به جهانی زیبا و رویایی فرار می‌کند. اما گویی در عمق روان او، این عشق با نیازی شدید به تأیید، تعلق و قدرت ترگه خورده است. شیرین، برای امیر

فقط یک معشوق نیست؛ بلکه نماد رستگاری، پیروزی و اثبات خود است. وقتی او شیرین را از آن دنیای مرفه و بسته می‌رباید، انگار می‌خواهد به جهان بگوید: «من هم می‌توانم». این میل، بیشتر از عشق، یک واکنش به احساس بی‌ارزشی و تحقیر تاریخی است.

● سوءاستفاده از دوست و دیگران

امیر بارها از دیگران حتی نزدیک‌ترین دوستش سوءاستفاده می‌کند. این رفتار هارامی توان بخشی از یک ساختار شخصیتی با ویژگی‌های ضد اجتماعی خفیف یا خودشیفته آسیب‌دیده دانست؛ جایی که فرد برای رسیدن به اهدافش، مرزهای اخلاقی را زیر پا می‌گذارد، چون در ناخودآگاهش، جهان را مکانی بی‌رحم می‌بیند که یا باید شکارچی بود یا شکار. و البته در این جهان، عشق همه چیز را توجیه می‌کند!

● پایان؛ بی‌خردی را فروپاشی روانی؟

فرار عاشقانه امیر با شیرین، چندروز رویایی و سپس سقوط همه‌چیز، نمودیک دوره شیدایی است که در برخی اختلالات خلقی هم مشاهده می‌شود. امیر در این فاز، خودش را قهرمان می‌بیند، دنیا را تحت کنترل می‌پندارد و آینده‌ای زیبارا تضمین شده می‌بیند. اما ناپایداری روانی، وحشت‌ترک‌شدن و ناتوانی در حل مسئله، در نهایت منجر به آشفته‌گی، بی‌تدبیری و فروپاشی می‌شود.

● امیر به‌تنهایی معمار سقوط خودش نیست!

امیر نه یک شرور کامل است، نه یک قربانی صرف. او انسانی است پر از گره‌های حل‌نشده، که به جای مواجهه با خود، مدام ماسک می‌زند، بازی می‌کند و در نهایت، هم خود و هم اطرافیان‌ش را به‌ورطه‌نابودی می‌کشاند. او یک تراژدی انسانی است؛ قربانی عشقی که بیشتر از آن که برای «بودن» باشد، برای «ثابت کردن» است. امیر، کودکی است که به هر قیمتی اسباب‌بازی مورد نیازش را می‌خواهد! و شاید اگر کسی، زمانی، زخم‌هایش را دیده و فهمیده بود، داستان به شکل دیگری رقم می‌خورد. اما امیر به‌تنهایی معمار سقوط خودش نیست؛ او محصول جریان‌های سیاسی، اجتماعی، زخم‌های خانوادگی، بی‌پناهی عاطفی و مواجهه با جامعه‌ای است که با طرد می‌کند، یا کنترل. در واقع، تراژدی امیر و شیرین، نه فقط حاصل انتخاب‌های شخصی، بلکه نتیجه یک شبکه از شکست‌های ارتباطی است که خود نتیجه روندهای کلان‌تر اجتماعی، سیاسی است. پدر امیر، با فشار، طرد و سرکوب، زمینه‌ساز روانی خشم و بی‌قراری اوست. پدر شیرین، با اعمال کنترل و تحقیر، سوخت بیشتری به آتش شورش می‌ریزد. شیرین، با بی‌مرزی و شوریدگی نوجوانانه، زمینه را برای یک فانتزی خطرناک فراهم می‌کند. شاید به قول رفیق‌امیر، اگر یکی از این حلقه‌ها شکسته می‌شد، اگر یکی از آن‌ها می‌توانست گفت‌وگو کند، گوش بدهد، مقاومت کند یا مسئولیت‌پذیر باشد، مسیر امیر به شکل دیگری رقم می‌خورد. اما در غیاب درک، حمایت و نقد سازنده، همه به نوعی با چشم‌های بسته به سمت پر تگاه رفتند.

اتاق مشاوره

پسر مورد علاقه‌ام بعد از قطع ارتباط‌مان اصرار به دیدار دارد

چند ماه پیش، ارتباطم با پسری که دوستش داشتم و یک سال باهم بودیم، قطع شد. الان یک هفته است که تقریباً هر روز زنگ می‌زند و اصرار پشت اصرار که باید دوباره تو را ببینم. طبق شناخت من، پسری نبود که اهل ازدواج باشد، راهنمایی کنيد.

دکتر حسین محرابی | روان‌شناس و مدرس دانشگاه

مشاوره ازدواج

مخاطب گرامی، هر چند اطلاعات کمی در اختیار ما قرار داده‌اید و بهتر بود شرایط سنی، شغلی، تحصیلی و خانوادگی خود و طرف مقابل را بیان می‌کردید اما در عین حال نکاتی را برای اطلاع شما عرض می‌کنم که امیدوارم در گرفتن تصمیم نهایی به کمک‌تان بیاید.

● علت قطع ارتباط‌تان چه بود؟

قبل از هر چیز سعی کنید برای این سوالات پاسخ مناسبی بیابید:
اول این که در یک سالی که ارتباط عاطفی داشتید به چه نتیجه‌ای رسیدید؟ دوم این که علت قطع ارتباط و چرایی شروع مجدد آن را با عقل و منطق بررسی کنید و سوم این که وقتی تصمیم‌اش بر ای ازدواج جدی نیست، چرا به تماس‌هایش پاسخ می‌دهید؟

● هیچ کدام‌تان برای این ارتباط هدفی ندارید

صرف نظر از نحوه برقراری ارتباط شما و در ست یا نادر ست بودن آن که آسیب‌هایش واضح به نظر می‌رسد، اگر هر دو نفر‌تان در این باره هدف و برنامه ای داشتید، در یک سال باید به نتایج مشخصی مبنی بر ادامه یا قطع کامل آن می‌رسیدید؛ بنابراین به نظر می‌رسد شما هنوز اطلاعات قابل ملاحظه‌ای از وی ندارید و این اصلان‌شانه خوبی نیست.

● زنگ تفریح او نباشید

اگر احساس می‌کنید کم‌رنگ شدن رابطه‌تان از طرف پسر مورد علاقه‌تان بوده، حتماً بهتر است این ماجرا تمام شود چون اگر بنا باشد این فرد هر گاه احساس خلاء و تنهایی داشته باشد برای زنگ تفریح به سراغ شما بیاید، نتیجه خوبی در انتظار این رابطه و شما نیست.

● معیار هایتان را برای ازدواج مشخص کنید

اگر هدف‌تان از این رابطه رسیدن به ازدواج است، باید ابتدا معیارهای خود را برای انتخاب همسر مشخص کنید و سپس با کمک والدین‌تان به دنبال کسب اطلاعات و شناخت واقعی این شخص باشید تا بتوانید ارزیابی درستی از وی بر اساس این معیارها داشته باشید. شروع دوباره این رابطه باید حتماً زیر نظر خانواده‌ها باشد و اگر او برای ازدواج تصمیم جدی دارد، خواستگاری بهترین گزینه است و گر نه مخالفت خودتان را صریح و شفاف به او بگویید تا مشکلات بیشتری برای شما ایجاد نشود.

جستار روایی

لذت قصه‌گردی میان کوچه‌ها و آدم‌ها

کاش در بر نامه‌های خانوادگی، لذت یک گردش بی‌رنامه در محله‌های قدیمی شهر را بچینیم تا از وسوسه اغراق‌شده و بی‌روح شهربازی‌های پرسروصدا و کافه‌های تاریک به سمت مکان‌هایی پر از قصه‌و روایت برویم

سیدمصطفی صابری | روزنامه‌نگار

روزهای گرم و کش‌دار تعطیلات تابستانی و خانه‌هایی که از صدای خنده و شیطنت بچه‌هایی که مدرسه ندارند، پر شده‌اند. حالا که نه عجله‌دی‌ماه است، نه شلوغی امتحان خردادو نه دلهره خریدعبود... شایدنباشد خانواده‌هایک تصمیم‌ساده‌بگیرند و در کنار رفتن به باغ عضو متمول فامیل باتماشای فیلم، سریال و رتالیتهی شو، برنامهریزی کنند و ششی دست بچه‌هارا بگیرند و بی‌هدف، بی‌برنامه، بی‌آن‌که دنبال رستورانی شیک یا شهربازی پرسروصدا و... باشند یا به محله‌های قدیمی شهر بگذارند. کمی پرسه در شهری که دارد از خاطرات خالی می‌شود؛ مثل آدمی که انگار حافظه ندارد. این پرسه‌ها، قدم‌زدن در زمانی است که هنوز شهر هویت خیابان به خیابان‌اش را فریاد می‌زد، مغازه‌های کوچک، بی‌سردرهای پرزرق‌وبرق، اما باقفسه‌هایی که ردسال‌هارا باغ‌ور حفظ کرده‌بودند. تماشای راسته‌هایی که حالا شده‌اند موزه‌ای زنده از خاطرات، شاید پرسه برای دیدن پیرمردی که در ساندویچی قدیمی‌اش پشت دخل‌نشسته، بدون کارت‌خوان و با همان فرمول قدیمی کنتلت و همبرگر دستی در ست می‌کند. پرسه برای این که ذهن‌مان پر شود از یاد خیابان‌هایی که قصه‌دارند؛ قصه‌آدم‌هایی که تلاش کردند، شکست خوردند، عاشق شدند و رفتند و جایشان را به نسل‌های بعد دادند؛ مغازه‌هایی که هنوز روی در و دیوارش عکس بزرگ خاندان، فوتبالیست محبوب و حتی آفاتختی است. گشت و گذار در محله‌های قدیمی که میراثی از هویت، دوستی و تلاش جمعی هستند؛ از دوری که کاسب بودن،

همسایه بودن، بچه محل بودن و... هم مثل خیلی چیزهای دیگر راه و رسم داشت. گشت و گذار در شهر برای تماشای خانه‌هایی اصیل که هنوز مقابل امواج ساخت‌وسازهای بی‌ریبه و بی‌ریخت ایستاده‌اند، خانه‌هایی که نمای زیبا و چشم‌نوازشان چشم انتظار عکاسی ماست تا زیبایی رنج و مقاومت‌شان را ثبت کنیم و به‌خودمان نهیب‌بزیم که از چه زمانی دل بسته نمای سنگی‌رومی‌بانورپردازی‌زشت‌شدیم؟ این محله‌ها دانشگاهی‌اند بی‌نیاز به کلاس درس؛ برای ما و به‌خصوص برای بچه‌های مان که با سرعت ویرانگر فناوری و جذابیت کافه‌های امروزی، معنای ریشه‌داشتن را یادنگرفته‌اند. محله‌هایی با راسته‌هایی که روزگاری همه کاسبانش سرگرم یک شغل بودند؛ کفاشی، بقالی، کلاه‌دوزی، قصابخانه و حالا شاید یکی دودکان مانده باشد، صاحبش پیرمردی شوخ و مهربان، ایستاده کنار همان پیشخوان چوبی قدیمی. واقعیت این است که بچه‌های ما بیش از هر چیز، نیاز دارند این جهان کوچک را ببینند. باید تماشاگر زندگی بی‌آلایش در حجره‌ها، مغازه‌ها، خانه‌های قدیمی و کوچه‌های کم‌نور باشند. باید بدانند هویت، چیزی فراتر از نمای ساختمان و تابلوی مغازه و کافه اینستاگرامی است. پرسه‌شانه خانوادگی در محله‌های قدیمی، نه فقط تفریح، که تجربه مواجهه با اصالت و گذشته است؛ این تجربه، شهر را از چشم‌دیگری نشان می‌دهد؛ چشمی که ریشه‌ها و داستان‌هارا می‌فهمد و به آینده بانگاهی متفاوت می‌نگرد. آزمونی برای عوض کردن عادت‌های شهری مان؛ فرصتی برای بازشناسی و عاشق‌شدن دوباره به شهری که هنوز، قصه‌های بسیاری برای خواندن دارد.

داده تصویری



مشاوره شغلی

نتایج اولین آزمایش جامع روانی درباره هفته کاری ۴ روزه

داشتند که ساعت کاری خود را بدون کاهش حقوق، ۲۰ درصد کاهش دادند. پیش از اجرای برنامه، شرکت‌ها طی دو ماه آموزش دیدند و فرایندهای کاری‌شان را برای بهبود بهره‌وری و همکاری بازطراحی کردند. سپس برای شش ماه هفته کاری چهارروزه را پیاپی سه‌سازی کردند. نتایج نشان داد کارکنانی که ساعت کاری کمتری داشتند فرسودگی کاری کمتری تجربه کردند، سلامت روان و جسمی بهتری داشتند و از شغل خود رضایت بیشتری نشان دادند. به گفته‌ی ون فن، استاد جامعه‌شناسی در کالج بوستون و یکی از نویسندگان مقاله، «به نظر می‌رسد تأثیرات مثبت بر سلامت روانی تقریباً در تمام کشورها، شرکت‌ها و میان همه کارکنان مشایه است.»

دست خالی، شرکت زده است و در حوزه هوش مصنوعی فعال بوده. روحش شاد.
* درباره پرورنده «راورسم» یاغی‌گری در فوتبال ۱ می‌خواستیم بگم که عیسی آل‌کثیر خیلی اشتباه کرد. این قدر برای خودش حاشیه درست کرد که هیچ‌گاه دیگر بازبکن خوبی نخواهد شد.
* در زندگی سلام از قطعی و فشار کم آب بنوسید. شاید خانواده یکی از مسئولان خواد و نوبگیری کرد.

ما و شما

راه‌نمایی باز زندگی سلام پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۲۹۶۵۷۶

* شهادی عزیزی را در جنگ ۱۲ روزه از دست دادیم. مرده‌ی که هیچ گناهی نداشتند. لعنت بر رژیم صهیونیستی که امروز کودکان غزه را هم به خاک و خون کشیده.

* دکتر مجید تجن جاری، نابغه‌ای بوده، با



زندگی سلام
یک هفته
۵ مرداد ۱۴۰۴
۲ صفر ۱۴۴۷
۲۷ جولای ۲۰۲۵
شماره ۳۰۴

خانواده مشاوره